

بررسی فقهی تقدم زن بر مرد در نماز از دیدگاه فقه اهل بیت^(ع)

موسی امینی^۱

چکیده

مسئله تقدم زن بر مرد در نماز در فقه اهل بیت^(ع)، به این معنا است که آیا قرار گرفتن زن جلوتر از مرد در هنگام اقامه نماز، جایز است یا موجب بطلان نماز می‌شود. این موضوع از مسائل کاربردی فقهی است که به دلیل اهمیت آن در احکام نماز، همواره مورد توجه فقها بوده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر فقهی و حدیثی، به بررسی این موضوع پرداخته و نشان می‌دهد که دو دسته روایت در این زمینه وجود دارد: دسته‌ای از روایات تقدم زن بر مرد را مجاز می‌شمارد، درحالی‌که دسته‌ای دیگر آن را منع کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بر پایه همین روایات، فقها نیز نظرات گوناگونی دارند. فقهای متقدم غالباً این عمل را ممنوع دانسته‌اند؛ اما بسیاری از فقهای متأخر، آن را جایز، ولی مکروه می‌دانند. شماری نیز تفصیل قائل شده‌اند؛ یعنی در صورت رعایت فاصله یا وجود مانع میان زن و مرد، تقدم زن بر مرد در نماز جایز است. عوامل مختلفی همچون وجوب یا استحباب نماز، جماعت یا فرادا بودن آن، بلوغ نمازگزاران، محرم یا نامحرم بودن، حالت اضطرار یا اختیار، و حتی مکان اقامه نماز (مانند در مکه یا خارج از آن بودن)، در صدور حکم نهایی تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت، احکام، فقه، تقدم زن بر مرد، نماز

۱. دانش‌پژوه سطح پنج، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.



مقدمه

شارع مقدس برای صیانت زن، دستورات واجب یا مستحبی را در نماز یا غیر آن داده است؛ آب ریختن به دست‌ها از داخل آرنج هنگام وضو، کنار هم قرار دادن پاها هنگام قیام، ابتدا زانو‌ها را روی زمین قرار دادن پیش از رفتن به سجده، گذاشتن آرنج‌ها و شکم بر زمین و چسباندن اعضای بدن به یکدیگر هنگام سجده و... همگی نشان‌دهنده آن است که بدن زن در حالات مختلف نماز به گونه‌ای نباشد که در معرض دید قرار گرفته و جلب توجه کند.

از جمله دستورات دیگر برای صیانت زن، جلوتر قرار گرفتن مردان از زنان هنگام نماز است. این نگاه از نوع برخورد موسی با دختر شعیب به روشنی قابل دریافت است؛ وقتی که دختر شعیب به خواسته پدرش از موسی دعوت کرد، دختر شعیب از جلو حرکت می‌کرد و موسی به دنبال او در حرکت بود. باد بر لباس دختر می‌وزید و ممکن بود لباس او را کنار بزند. حیا و عفت موسی اجازه بروز چنین صحنه را نمی‌داد؛ لذا به او گفت که از پشت سر بیاید و در دوراهی‌ها او را راهنمایی کند.

اما در مورد علت لزوم عقب‌تر ایستادن زنان از مردان در نماز، حتی نسبت به محارمشان، می‌توان گفت از نظر آموزه‌های دینی، کمال عبادات در حضور قلب و توجه به درگاه پروردگار است؛ به گونه‌ای که هیچ عبادتی بدون حضور قلبی پذیرفته نیست. آن گونه که در روایات نیز آمده، رسول اکرم (ص) فرمود: «همانا بهره‌ای از نماز نداری مگر به اندازه‌ای که به خدا توجه داشته باشی». از این رو در آموزه‌های دینی از اموری که مانع حضور قلب در نماز شود، نهی شده است که از آن جمله نگاه به زنان در هنگام نماز است که اگر جلوتر قرار بگیرند در معرض توجه مردان و مانع حضور قلب در عبادت خواهند بود.

از این رو سفارش شده که مکان نماز زنان از مردان جدا باشد یا میان آنان حایلی باشد، یا زنان عقب‌تر از مردان بایستند. در مجموع به نظر می‌رسد فلسفه عقب‌تر ایستادن زن از مرد، این است که زنان با توجه به ساختار فیزیکی و جذابیت‌های بدنی‌ای که دارند، اگر در نماز از مردان حتی محارمشان جلوتر قرار بگیرند، ناخواسته ممکن است باعث جلب توجه و حواس‌پرتی مردان و از بین رفتن حضور قلب در آنان شوند. لذا به نظر می‌رسد حکمت این بخش از آموزه‌های دینی که در هنگام نماز، زنان عقب‌تر از مردان بایستند، همین امر باشد.



۱. بیان مفاهیم

یکی از بخش‌های مهم یک نوشته پژوهشی، مفهوم‌شناسی است که در آن، کلمات کلیدی عنوان تحقیق بیان می‌گردد. لذا اینک به توضیح کلماتی چون تقدم، احکام، اهل بیت و فقه پرداخته می‌شود.

۱-۱. تقدم

لغت‌نامه دهخدا در معنای واژه تقدم می‌نویسد: «واژه تقدم در لغت به معنای جلو افتادن و پیشی گرفتن است. در جلو افتادن، پیش روی، سبقت، برتری، ترجیح و اولویت است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱، ۷۶۳). «این واژه بر ضد (تَأَخَّر) است یعنی پیش آمد؛ خلاف التأخر» (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۴۷). «كُونَ الشَّيْءُ أَوَّلًا، سَبَقَ وَ حَقَّ التَّقَدُّمُ» (معلوف، بی‌تا: ۱۱۳۳). در اصطلاح فقهی، تقدم در نماز عبارت است از جلو قرار گرفتن و جلوتر ایستادن زن از مرد در حال نماز؛ یعنی تقدم مکانی.

۱-۲. احکام

احکام جمع حکم و در لغت به معنای منع است و منظور از آن، اثبات امری برای امر دیگر یا نفی امری از امر دیگر است. فرمان‌ها، حکم‌ها، دستورها، اوامر، آداب و رسوم، به معنای قانون و نصوص خاصه» (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۱۲). در اصطلاح به قوانین و مقرراتی که شارع برای مکلفان به رسمیت شناخته است، احکام می‌گویند؛ چه به‌طور مستقیم از جانب شارع صادر شده باشد چه به‌واسطه عقل یا عرف دریافت شده باشد. لغت‌نامه دهخدا در معنای احکام می‌نویسد: «احکام یعنی قوانین و مقررات دینی یا فروع دین که مربوط به کیفیت اعمال است نه اصول اعتقادات» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱، ۹۷).

۱-۳. اهل بیت

معنای اهل در لغت، عبارت است از اعضای خانواده یک مرد شامل مردان قبیله، نزدیکان و خویشاوندان زن (یا زنان) و بچه‌ها می‌شود و بیت منزل یا مسکن است که شامل چادر و ساختمان می‌شود. لغت‌نامه دهخدا در این مورد می‌نویسد: «بیت به معنای خانه، مسکن، سرای، محل سکونت، عیال، اهل خانه و در اصطلاح به اهل خانه بزرگان گفته می‌شود»

(دهخدا، ۱۳۷۳: ۱، ۴۸۸). لذا اهل بیت تمام اعضای خانواده یک مرد را یا تمام کسانی که با او زندگی می‌کنند، شامل می‌شود؛ اما در اصطلاح دینی و مذهبی، اهل بیت به خاندان پیامبر (ص) و پیشوایان معصوم (ع) انصراف دارد.

۱_۴. فقه

در نگاه ابتدایی به کلمات و تعبیرات کثیری از اهل لغت، به نظر می‌رسد که «فقه» به معنای مطلق فهم باشد؛ اما با تأمل به عبارات دانشمندانی که در مقام تعیین تفاوت‌های ظریف بین واژگان متشابه برآمده‌اند و فروق اللغه را تدوین کرده‌اند، به این نتیجه می‌رسیم که «فقه» در لغت، مطلق فهم نیست، بلکه موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق را «فقه» گویند. فقه در فرهنگ قرآنی نیز به معنای بصیرت و ریزبینی و ادراک دقیق استعمال شده و محدوده استعمال این واژه در آیات، اختصاص به احکام فرعی ندارد، بلکه فقیه قرآنی کسی است که در مجموعه دین از فهم دقیق و بصیرت لازم برخوردار باشد.

از آنجا که مسلمانان علم و فهم از دین را شریف‌تر از سایر علوم می‌دانسته‌اند، فقط فهم دین را فقه نامیده‌اند و این گونه بود که اصطلاح علم فقه به وجود آمد. لذا المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة در تعریف لغوی و اصطلاحی فقه می‌گوید: «فقه فَهْمٌ وَفِطْنَةٌ، عِلْمٌ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْعِلْمِيَّةِ مِنْ أَدْلَتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ» (معلوف، بی‌تا: ۱۱۰۴).

المحیط فی اللغة در تعریف فقه می‌نویسد: «الفقه العلم فی الدین؛ فقه یعنی دانش دینی» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۳، ۳۴۷). کتاب العین نیز همین معنا را برای فقه ذکر کرده است: «الفقه العلم فی الدین» (فراهیدی، ۱۳۷۶: ۳، ۳۷).

لغت‌نامه دهخدا در معنای فقه می‌نویسد: «فهمیدن و دانستن چیزی، دریافتن، فقاقت داشتن، زیرکی. در اصطلاح، فقه یعنی دانش دریافت چیزی و اکثراً بر علم دین استعمال می‌کند به سبب شرف و بزرگی آن. فقه علمی است که از فروع عملی احکام شرعی بحث می‌کند و مقصود از آن تحصیل ملکه اقتدار بر اجرای اعمال شرعی است و مبنای این علم بر استنباط احکام شرعی از کتاب و سنت است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲، ۲۱۳۰). بنابراین در اصطلاح مراد از فقه، همان علم دینی و احکام شرعی به موضوعات از دیدگاه اهل بیت (ع) است.



۲. اقوال و دیدگاه‌ها درباره تقدم زن بر مرد در حال نماز

از جمله مباحث اختلافی مربوط به نماز، بحث تقدم زن بر مرد در حال نماز است که آیا جایز است یا خیر؟ در این باره سه دیدگاه فقهی وجود دارد:

الف. جواز همراه با کراهت: سید صاحب مدارک، علامه حلی، فخرالمحققین و اکثر متأخرین قائل به این نظریه هستند. از کلام شیخ طوسی در استبصار نیز جواز استفاده می‌شود.

ب. حرمت: شیخ طوسی و شیخ مفید و حلبی و ابن حمزه و اکثر قداما قائل به این نظریه هستند علت این اختلاف نظر، اختلاف روایات است؛ یعنی یک دسته از روایات دلالت بر جواز دارد و دسته دیگر دلالت بر منع.

ج. قول به تفصیل: در صورت رعایت فاصله (که اندازه آن در روایات متفاوت بیان شده) جایز است و الا جایز نیست.

۲_۱. نظریه جواز تقدم و ادله آن

قائلین به جواز، به دلایلی تمسک کرده‌اند. از جمله اصل اولی عملی که همان اصل برائت است؛ یعنی اصل اولی عدم شرطیت تأخر زن از مرد در حال نماز است. قائلین به این دیدگاه به روایاتی مستفیضه و صحیحه استناد نموده‌اند که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

روایت اول: اولین روایتی که قائلین به جواز به آن تمسک کرده‌اند، صحیحه جمیل از امام صادق^(ع) است: عن جمیل عن ابی عبدالله^(ع) قال: «لا بأس أن تصلي المرأة بحذاء الرجل وهو يصلي فإن النبي^(ص) كان يصلي وعائشة مضطجعة بين يديه وهي حائض وكان إذا أراد أن يسجد غمز رجلها فرفعت رجلها حتى يسجد» (حر عاملی، بی تا: ۵، ۱۲۲).

اشکالی که از حیث دلالت به این روایت وارد شده این است که هرچند ظاهر آن دلالت بر جواز دارد، ولی تعلیل به اضطجاع با حکم به جواز نماز همخوانی ندارد؛ زیرا فرض مسئله در جایی است که زن و مرد هر دو در حال نماز باشند والا مشکلی ندارد که زنی بدون اینکه نماز بخواند، مقدم بر مردی باشد که نماز می‌خواند.

در پاسخ گفته‌اند این عدم انطباق، اصل کلام امام^(ع) را از حجیت ساقط نمی‌کند. علاوه بر آن عدم انطباق تعلیل با حکم نیز قابل تأمل است؛ زیرا تفصیل فقها بین حالت نماز و

غیر نماز، سبب نمی‌شود که واقع حکم نیز همین‌گونه باشد و ممکن است تفاوتی میان نماز و غیر نماز نباشد. از این رو امام صادق^(ع) به این عمل پیامبر اکرم^(ص) استناد نموده که اگر نماز مرد در صورت تقدم زن جایز نبود، به جهت نفس تقدم زن بود، نه اینکه در حال نماز است؛ اما برخی روایاتی که بین حالت نماز و غیر نماز فرق قائل شده‌اند، در نهایت کراهت را ثابت می‌کند نه بیشتر از آن را؛ یعنی اگر زن مقدم بر مرد باشد و در حال نماز باشد، نماز مرد کراهت دارد و الا کراهتی هم در کار نخواهد بود.

روایت دوم: روایت دوم نیز روایت جمیل از امام صادق^(ع) است که شیخ طوسی در تهذیب نقل نموده است: ما رواه الشيخ فی التهذیب بسند فیه ابن فضال عن من أخبره عن جمیل بن دراج عن ابی عبد الله^(ع) «فی الرجل یصلی والمرأة تصلی بحذاءه؟ قال لا بأس» (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۴، ۴۱۲).

سند این روایت به دلیل مرسله بودن، ضعیف است و نمی‌توان به آن تمسک کرد، ولی از آنجا که بنی فضال در سلسله روایت است، ممکن است از باب «خذوا ما رووا»، کسی بگوید مراسلات بنی فضال معتبر است. در آن صورت، روایت موثق خواهد شد؛ اما از نظر دلالت به وضوح نماز خواندن زن و مرد در کنار هم را جایز می‌داند.

۲-۲. نظریه منع تقدم و ادله آن

شیخ مفید و شیخ طوسی و اکثر متقدمین به منع تقدم زن بر مرد در حال نماز قائل شده‌اند. قائلین به این نظر به اصل عملی استصحاب و مشغول بودن ذمه نمازگزار در صورت تقدم زن و شک در سقوط تکلیف، اجماع منقول و روایاتی استناد نموده‌اند که به بررسی این روایات می‌پردازیم:

روایت اول: صحیحہ ادریس بن عبد الله قمی که می‌گوید: «سألت أبا عبد الله^(ع) عن الرجل یصلی و بحیاله امرأة قائمة علی فراشها جنباً، فقال: إن كانت قاعدة فلا یضرک وإن كانت تصلّی فلا» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۱).

دلالت این حدیث بر مطلب روشن است؛ زیرا از نماز خواندن مرد در کنار زنی که او نیز در حال نماز است، نهی شده است.

روایت دوم: صحیحہ عبد الله بن ابی یعفور است که می‌گوید: «قلت لأبی عبد الله^(ع)



أصلى والمرأة إلى جنبى وهى تصلى؟ فقال لا إلا ان تتقدم هى أو أنت ولا بأس ان تصلى وهى بحذاءك جالسة أو قائمة» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۴).

دلالت این روایت نیز بر منع روشن است که نماز زن و مرد را در کنار هم در صورتی روا دانسته که یکی جلوتر باشد یا اینکه زن در حال نماز نباشد و الا نماز مرد درست نیست. روایت سوم: خبر عبدالرحمن بن أبی عبدالله است که می‌گوید: «سألت أبا عبدالله^(ع) عن الرجل يصلى والمرأة بحذاه عن يمينه ويساره. فقال^(ع): لا بأس إذا كانت لا تصلى» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۱).

در این روایت نیز صحت نماز مرد مشروط به نماز نخواندن زن شده و الا اگر هر دو نماز بخوانند، درست نیست.

روایت چهارم: صحیح ابن مسلم عن از یکی از امامین صادقین^(ع) است که می‌گوید: «عن المرأة تزامن الرجل فى المحمل يصليان جميعاً؟ قال^(ع): لا ولكن يصلى الرجل... فإذا فرغ صلت المرأة» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۴). دلالت این روایت نیز منع از باهم نماز خواندن زن و مرد در کنار هم است.

روایت پنجم: صحیح زرارہ از امام باقر^(ع) است که می‌گوید: «سألت عن المرأة تصلى عند الرجل، قال: لا تصلى المرأة بحيال الرجل إلا أن يكون قدأماها ولو بصدرة» (طوسی، ۱۳۹۰: ۱، ۳۹۹).

دلالت این روایت در صورت نماز خواندن زن و مرد باهم و در مکان واحد در صورت تأخر زن از مرد ولو به اندازه که سینه مرد از زن جلوتر باشد، کفایت می‌کند و نماز هر دو درست است و در غیر آن، درست نیست.

روایت ششم: موثقہ عمار سبابطی از امام جعفر صادق^(ع) است که می‌گوید: «أنه سئل عن الرجل يستقيم له أن يصلى وبين يديه امرأة تصلى؟ قال: لا تصلى حتى يجعل بينه وبينها أكثر من عشرة أذرع وإن كانت عن يمينه أو عن يساره جعل بينه وبينها مثل ذلك وإن كانت تصلى خلفه فلا بأس وإن كانت تصيب ثوبه. سند روایت در وسایل عبارت است از «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۸).



۲-۳. نظریه قایل به تفصیل و ادله آن

برخی از فقها نیز قائل به تفصیل شده‌اند. همانند جحفی و مرحوم آیت‌الله خویی که اگر فاصله میا زن و مرد رعایت شده باشد، نماز اشکال ندارد و در غیر آن، جایز نیست. میزان فاصله در روایات از یک وجب تا یک ذراع و موضع رحل تا ده ذراع متفاوت بیان شده و در برخی روایات وجود حایل میان زن و مرد بیان شده است.

روایت اول: صحیح زراره امام محمدباقر^(ع) است که میزان فاصله را یک گام یا یک ذراع بیان می‌کند و می‌گوید: «إذا كان بينها وبينه قدر ما يتخطى أو قدر عظم الذراع فلا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۵).

روایت دوم: صحیح معاویه بن وهب از امام صادق^(ع) است که فرمود: «إنه سأله عن الرجل والمرأة يصلیان فی بیت واحد، فقال: إذا كان بينهما قدر شبر صلت بحذاء وحدها و هو وحده ولا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۵). در این روایت میزان فاصله لازمه برای صحت نماز را یک وجب بیان نموده است.

روایت سوم: خبر ابوبصیر از امام صادق^(ع) است که می‌گوید: «سألته عن الرجل والمرأة يصلیان فی بیت واحد، المرأة عن يمين الرجل بحذاء؟ قال: لا، إلا أن يكون بينهما شبر أو ذراع ثم قال: كان طول رحل رسول الله^(ص) ذراعاً و كان يضعه بين يديه إذا صلى يستريح ممتن يمر بين يديه» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲، ۲۳۰).

در این روایت میزان فاصله لازم، یک شبر یا یک ذراع دانسته شده و به این استناد نموده که طول رحل رسول الله^(ص) یک ذراع بوده که به منظور فاصله‌گذاری با عابران در حال نماز از آن استفاده می‌کرده‌اند.

۳. حکم حایل و کیفیت آن و میزان فاصله میان زن و مرد

از جمله مباحث مرتبط با این موضوع، حکم حایل میان زن و مرد در حال نماز و نیز میزان فاصله میان آنان است که به بررسی آن می‌پردازیم.

۳-۱. حکم و کیفیت حایل

در اینکه کیفیت و میزان حایل چگونه و چه مقدار باشد، ظاهراً نفس حایل کفایت می‌کند.



در جواز تقدم هم حایل کوتاه باشد یا بلند، مشبک باشد یا کاملاً بسته، باز فرقی ندارد. لذا مرحوم خوئی در این باره می‌گوید: «ولا خلاف فی زوال الحکم معه و ان کان الفصل بینهما اقل من الشبر، سواء كان الحایل قصيراً ام طويلاً و تقتضيه جملة من النصوص» (خوئی، ۱۴۱۸: ۱۳، ۱۱۲). سپس ایشان به چند روایت، از جمله روایات ذیل استناد می‌کند:

روایت اول: صحیحة محمد بن مسلم عن أبي جعفر^(ع) فی المرأة تصلی عند الرجل، قال: «إذا كان بينهما حاجز فلا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۹).

روایت دوم: صحیحة علی بن جعفر از برادرش حضرت امام کاظم^(ع) است که می‌گوید: «سألته عن الرجل يصلی فی مسجد حیطانہ کوی کله قبلته و جانباه و امرأته تصلی حیالہ یراہا و لا تراه قال لا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۹).

روایت سوم: روایت علی بن جعفر از برادرش حضرت امام کاظم^(ع) است که می‌گوید: «سألته عن الرجل هل يصلح له أن يصلی فی مسجد قصیر الحائط و امرأة قائمة تصلی بحیالہ و هو یراہا و تراه قال إن كان بينهما حائط طویل أو قصیر فلا بأس» (حمیری، ۱۴۱۳: ۲۰۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۳۰).

در این روایت سخن از دیوار کوتاه است که زن و مرد همدیگر را می‌بینند، برخلاف روایت قبلی که فقط مرد قادر به دیدن زن بود، باز هم وجود دیوار کوتاه را در صحت نماز، کافی می‌داند.

روایت چهارم: صحیحه محمد بن مسلم از یکی از امامین صادقین^(ع) است که می‌گوید: «سألته عن الرجل يصلی فی زاوية الحجرة و امرأته أو ابنته تصلی بحذائه فی الزاوية الأخری؟ فقال لا ینبغی له ذلك فان كان بينهما ستر أجزاء» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۳). البته به جای ستر، شبر هم نقل شده است. در این روایت نیز نفس حایل را کافی دانسته در صحت نماز و مقید به قیدی نکرده است؛ اما صاحب مصباح الفقیه با استناد به این روایات می‌گوید: «و يزول التحريم أو الكراهة إذا كان بينهما حائل بلا خلاف فيه علی الظاهر، بل عن المعتمد و المنتهی دعوی الإجماع علیه. و یشهد له - مضافاً إلى انصراف أخبار المنع عما لو كان بينهما حائل - صحیحة محمد بن مسلم عن أبي جعفر فی المرأة تصلی عند الرجل، قال: «إذا كان بينهما حاجز فلا بأس.» و يدلّ علیه أيضا قوله ع فی



صحیحة الحلبي: «إن كان بينهما ستر أجزاء» بناء على قراءة «الستر» بالسین المهملة والتاء المثناة فوق، كما حكى عن بعض النسخ. سپس ایشان حایل معتبر در عدم منع را حایلی می‌داند که مانع از دیدن باشد و دلیلش این است که متبادر از اطلاق حاجز و ستر، حایلی مانع از رؤیت است و منساق الی الذهن از فتاوی فقها در اطلاق حایل نیز همین است و چه بسا در کلام بسیاری از فقها به این معنا تصریح شده است: «ثم إن المتبادر من إطلاق الحاجز و الستر هو الحائل المانع عن الرؤية، كما أن هذا هو المنساق إلى الذهن من إطلاق الحائل في فتاوى الأصحاب، بل ربما وقع التصريح به في كلام غير واحد منهم».

ایشان در ادامه به دو روایت علی بن جعفر اشاره می‌کند که با استدلال ایشان در معتبر بودن حایلی مانع از رؤیت منافات دارد و اینکه آن دو روایت تصریح دارد که در صحت نماز وجود حایلی مانع از رؤیت و مشاهده شرط نیست، بلکه مطلق حایل کفایت می‌کند. سپس ایشان راه جمع میان این دو دسته از روایات را تعمیم معنای حاجز و ستر می‌داند که شامل مضمون روایات علی بن جعفر نیز بشود. برای این راه جمع، به روایاتی استشهد می‌کند که نافی بآس است در جایی که میان زن و مرد شبر یا ذراع باشد. البته بنا بر اینکه مراد از شبر و ذراع، ارتفاع حایل باشد نه فاصله عرضی. سپس می‌افزاید که بنا بر قول به کراهت راه جمع میان این دو دسته روایت این است که روایات علی بن جعفر که مطلق حاجز و حایل را کافی می‌داند، دلالت بر خفت کراهت دارد، درحالی که روایاتی که عدم مشاهده را در حایل شرط می‌داند، از اساس کراهت را برمی‌دارد (همدانی، ۱۴۱۶: ۷۴).

صاحب مستندالشیعه نیز می‌نویسد: «الظاهر عدم الخلاف بين الأصحاب في انتفاء المنع تحريماً أو تنزيهاً بوجود الحائل بينهما أو التباعد بعشرة أذرع، فمع أحدهما صحّت صلاتهما إجماعاً، كما عن المعتبر والمنتهى وغيرهما» (نراقی ۱۴۱۵: ۴، ۴۱۷). اجماع مبنی بر صحت نماز زن و مرد در صورت وجود حایل میان آنها، توسط علامه حلی و صاحب ریاض مطرح شده است (حلی، ۱۴۱۲: ۱، ۲۴۳؛ حایری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱، ۱۳۹).

سپس ایشان حایل شرعی و معتبر را حایلی می‌داند که مانع از دیدن باشد نه مطلق حایل. دلیلش این است که مقتضای اطلاقات منع، بقای منع است مگر درجایی که زوال منع اثبات شود و زوال منع نیز تنها در صورتی اثبات می‌شود که حایل مانع از رؤیت باشد.



به علاوه ایشان ادعای اجماع می‌کند و حقیقت ستر و حاکم در نصوص شرعی را نیز همین می‌داند: «ثمَّ المعتبر فی الحائل: المانع عن الرؤية، لأنَّ مقتضى إطلاقات المنع بقاؤه إلاَّ فيما ثبت معه الزوال ولم يثبت إلاَّ معه ولو مثل الجلباب، لأنَّه مورد الإجماع وحقیقة الستر والحاجز المذكورین فی النص. فلا يزول المنع بالثوب الرقيق ولا بالكوى والشباك» (نراقی ۱۴۱۵: ۴، ۴۱۷). «کوا» منفذ و سوراخی است که در دیوار ایجاد می‌گردد، چنانکه در مصباح المنیر آمده است: «الکوّة تفتح وتضم؛ الثقبه فی الحائط» (فیومی، بی تا: ۵۴۵). ایشان نسبت به روایت علی بن جعفر که مطلق حاجز را کافی می‌دانست، ولو مشبک باشد یا رقیق، می‌گوید: «بر اساس مبنای ما که اصولاً قایل به کراهت هستیم نه حرمت، این دو روایت با گفتار ما منافاتی ندارد؛ زیرا نفی بآس که در روایت بیان شده با کراهت منافات ندارد» (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ۴: ۴۱۸).

به نظر می‌رسد که نفس حایل برای صحت نماز کافی باشد، ولو مانع دید نباشد؛ مانند دیوار مشبک یا دیوار کوتاه و پرده نازک و مانند آن. از اطلاق کلمه حاجز این معنا استفاده می‌شود. چنانکه بر فقها نیز به این معنا تصریح نموده‌اند که بیان شد.

۳-۲. میزان فاصله

میزان فاصله در روایات، از یک وجب تا ده ذراع، متفاوت بیان شده است. از جمله در صحیحہ معاویة بن وهب از امام صادق (ع) آمده است: «انه سأل عن الرجل والمرأة یصلیان فی بیت واحد فقال إذا كان بينهما قدر شبر صلت بحذائه وحدها وهو وحده لا بأس» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۵). یا مانند این روایت که ده ذراع را ملاک دانسته: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَصَلِّي الضُّحَى وَ أَمَامَهُ امْرَأَةٌ تُصَلِّي بَيْنَهُمَا عَشْرَةُ أَذْرُعٍ. قَالَ لَا بَأْسَ لِيَمُضٍ فِي صَلَاتِهِ».

در موثقه عمار، بیش از ده ذراع ملاک دانسته شده و در روایت ابوبصیر، یک شبر یا یک ذراع مطرح شده است. لذا صاحب وسایل می‌گوید: «أقول: وَقَدْ تَقَدَّمَ مَا يَدُلُّ عَلَى الْإِكْتِفَاءِ بِالذَّرَاعِ وَالشُّبْرِ وَ السَّامِعُ فِي هَذَا التَّقْدِيرِ مِنْ قَرَائِنِ الْكِرَاهَةِ مُضَافاً إِلَى التَّصْرِيحِ بِهَا وَ عَدَمِ التَّصْرِيحِ بِمَا يَنَافِيهَا وَ اخْتِلَافِ الْأَحَادِيثِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۸).



۴. حکم تقدم زن بر مرد در نماز نسبت به حالات مختلف

سؤالات قابل طرح در این بحث این است که آیا این فاصله‌گذاری میان زن و مرد در حال نماز، مخصوص حال اختیار است یا شامل حال اضطرار نیز می‌شود؟ همینطور این بحث فقط در نماز واجب مطرح است یا شامل نماز مستحبی نیز می‌شود؟ و در نماز فرادا و جماعت چطور؟ نسبت به نمازگزاران نیز آیا میان بالغ و غیر بالغ و محرم و نامحرم تفاوت است یا خیر؟ و نسبت به مکه و غیر مکه چطور؟ مکان‌ها نسبت به این حکم فرق دارد یا ندارد؟ لذا به بررسی این ادله می‌پردازیم:

۴_۱. مکه و غیر مکه

به نظر می‌رسد که نسبت به اطلاق مکانی، فرقی میان مکه و غیر مکه نیست، مگر در کراهت که در مکه کراهت برداشته شده، ولی در دیگر جاها کراهت وجود دارد. در این مورد می‌توان به صحیحۀ فضیل استناد کرد که در آن آمده: «... عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَتْ مَكَّةُ بِكَهْ لِأَنََّّهُ يَبْكُ بِهَا الرَّجَالُ وَالنِّسَاءُ وَالْمَرْأَةُ تُصَلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَعَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ شِمَالِكَ وَعَنْ يَسَارِكَ وَمَعَكَ وَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِنَّمَا يَكْرَهُ فِي سَائِرِ الْبُلْدَانِ» (صدوق، ۱۳۸۶: ۲، ۳۹۷).

۴_۲. حالت اختیار و حالت اضطرار

اما نسبت به حالت نماز، این حکم اختصاص به حال اختیار دارد و شامل حال اضطرار نمی‌شود. از این رو اگر کسی از نظر زمان و مکان در تنگنا قرار بگیرد، مشمول این حکم نخواهد شد. البته ممکن است اشکال شود که حکم مطلق است و شامل حال اضطرار نیز می‌شود، یعنی در کنار هم قرار گرفتن زن و مرد، به دلیل اطلاق ادله مطلقاً مانع از صحت نماز است. اگر کسی بخواهد به حال اختیار تقیید بزند، نیاز به دلیل دارد. مرحوم بحرانی می‌گوید این اشکال خالی از قوت نیست، مگر اینکه بگوییم شروط صحت تنها در حال اختیار و امکان معتبر است و شامل حالتی که امکان انجام عمل نباشد، نمی‌شود (ر.ک. بحرانی، ۱۴۰۵: ۷، ۱۹۱). صاحب عروه نیز می‌گوید: «الحکم المذكور مختص بحال الاختیار، ففي الضيق والاضطرار لا مانع ولا كراهة، نعم إذا كان الوقت واسعاً يؤخر أحدهما صلاته، والأولى تأخير المرأة صلاتها» (یزدی، ۱۴۲۲: ۳۹۵).



در مورد شرایط حایل نیز صاحب حدائق قایل است که حایل باید مانع از رؤیت باشد. این قول را از شهید ثانی و صاحب مدارک نقل می‌کند که گفته‌اند حایل باید جسم باشد، مانند دیوار و ستر. ایشان سپس می‌گویند: «کلام سایر فقها در این باره اطلاق دارد و به دو حدیث از علی بن جعفر از امام کاظم^(ع) که قبلاً ذکر شد، استناد می‌کند: «صرح شیخنا الشهيد الثانی بأنه يعتبر فی الحائل ان یکون مانعا من الرؤية وهو ظاهر کلام سبطه السيد السند فی المدارک ایضاً حیث قال: ويعتبر فيه كونه جسماً كالحائط والستر وكلام سائر الأصحاب (رضوان الله علیهم) مطلق فی ذلك وقد روى الثقة الجلیل علی بن جعفر فی کتاب المسائل عن أخیه موسی^(ع) قال: «سألته عن الرجل هل یصلح ان یصلی فی مسجد و حیطانہ کوی کله قبلته و جانباه و امرأة تصلى حیاله یراها و لا تراه؟ قال لا بأس» و رواها الشيخ فی التهذیب فی الصحیح عن علی بن جعفر^(ع) مثله (ر.ک. حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵، ۱۲۶).

و روی فی کتاب قرب الاسناد عن عبدالله بن الحسن عن علی بن جعفر عن أخیه موسی^(ع) قال: «سألته عن الرجل هل یصلح له ان یصلی فی مسجد قصیر الحائط و امرأة قائمة تصلى بحیاله و هو یراها و تراه؟ قال ان كان بينهما حائط قصیر أو طویل فلا بأس» و هما - كما ترى - صریحتا الدلالة فی خلاف القول المذكور (بحرانی، ۱۴۰۵: ۷، ۱۸۹).

۳-۴. محرم و نامحرم؛ بالغ و نابالغ

در مورد محرم و نامحرم و بالغ و نابالغ، صاحب عروه می‌گوید: «ادله اطلاق دارد و فرقی میان آن‌ها نیست. همینطور نسبت به بالغ و غیر بالغ نیز اطلاق دارد و نیز نسبت به نماز واجب و مستحب».

۴-۴. نماز واجب و مستحب؛ نماز جماعت و فرادا

در مورد نماز واجب و مستحب جماعت و فرادا نیز اطلاق ادله شامل هر دو می‌شود. لذا صاحب عروه می‌گوید: «الظاهر عدم الفرق أيضاً بین النافلة و الفریضة» (یزدی، ۱۴۲۲: ۴۲۰).

بنابراین به جز حال اضطرار که مشمول این بحث نمی‌شود و فقط حال اختیار را در بر می‌گیرد، در سایر موارد مطرح شده، ادله اطلاق دارد و شامل همه موارد می‌شود. لذا میان نماز واجب و مستحب و جماعت و فرادا و نمازگزار بالغ و نابالغ و محرم و نامحرم و مکه و غیر مکه، تفاوتی وجود ندارد.



۵. دیدگاه فقهای معاصر نسبت به تقدم زن بر مرد در نماز

تا اینجا سه دیدگاه مختلف با استناد به روایات مطرح شد. با توجه به همین اقوال، نظرات مراجع معاصر نیز متفاوت است. آیات عظام مانند امام خمینی، بهجت و صافی گفته‌اند: «اگر زن جلوتر از مرد هم بایستد، اشکال ندارد؛ اما بهتر است زن عقب‌تر از مرد بایستد» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۱). آیت الله تبریزی گفته است: «باید حداقل بین زن و مرد یک وجب فاصله باشد و با رعایت فاصله، اگر زن هم جلوتر بایستد، نمازش صحیح است» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۱). آیت الله خامنه‌ای گفته است: «بنا بر احتیاط واجب باید حداقل بین زن و مرد، یک وجب فاصله باشد و با رعایت فاصله، اگر زن هم جلوتر بایستد، نمازش صحیح است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

آیات عظام فاضل و مکارم گفته‌اند: «زن باید عقب‌تر از مرد بایستد؛ وگرنه نماز او باطل است و فرقی بین محرم و نامحرم نیست» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۳). آیت الله سیستانی گفته است: «بنابر احتیاط لازم، زن باید عقب‌تر از مرد بایستد و فرقی بین محرم و نامحرم نیست» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۳). آیت الله وحید خراسانی گفته است: «باید بین مرد و زن در حال نماز، حداقل یک وجب فاصله باشد، ولی اگر زن برابر مرد یا جلوتر - در کمتر از فاصله‌ای که ذکر شد - بایستد و هر دو با هم وارد نماز شوند، باید نماز را دوباره بخوانند» (وحید خراسانی، ۱۳۹۱، ۱۶۳).

آیت الله صافی گفته است: «مکروه است زن در نماز جلوتر از مرد یا محاذی با او بایستد و بهتر است طوری بایستد که جای سجده او کمی از جای ایستادن مرد، عقب‌تر باشد. اگر زن، برابر مرد یا جلوتر بایستد، نماز هر دو صحیح است؛ چه با هم وارد نماز شوند یا به ترتیب. ثواب نماز هرکدام که بعد مشغول نماز شده‌اند کمتر است، ولی بنابر احتیاط مؤکد سزاوار است در صورتی که هر دو با هم وارد نماز شوند، هر دو و در صورتی که به ترتیب وارد شده باشند، کسی که بعد وارد شده نماز را اعاده نماید» (سایت هدانا، ۱۴۰۳).

در مجموع سه‌گانه قول از نظرات فقها، به دست می‌آید:

الف. برخی از مراجع، جلوتر بودن مکان نماز مرد نسبت به زن را لازم دانسته‌اند: آیت الله سبحانی: «بنابر احتیاط واجب...»؛ «آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط لازم... اقلًا به



مقداری که جای سجده زن برابر جای دو زانوی مرد در حال سجده باشد؛ «آیت الله مکارم: باید جای سجده زن از جای سجده مرد کمی عقب تر باشد» (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۵).

طبق این نظر، اگر زن، در کنار مرد یا جلوتر بایستد و با هم وارد نماز شوند، نماز هر دو باطل است، ولی اگر یکی قبلاً وارد نماز شده باشد، نماز او صحیح و نماز دومی باطل است و بنابر دیدگاه آیت الله سیستانی «بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را دوباره بخوانند؛ چه با هم وارد نماز شوند یا یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد» (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۵).

ب. گروهی جلوتر بودن مرد را لازم نشمرده، ولی با عباراتی مختلف، آن را دارای رجحان دانسته‌اند. از جمله امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، بهجت و نوری، «برخی جلوتر بودن مرد را مستحب شمرده و برخی جلوتر بودن زن را مکروه دانسته‌اند» (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۵).

طبق این نظر، اگر زن، در کنار مرد یا جلوتر بایستد، نماز هر دو صحیح است، چه با هم وارد نماز شوند یا به ترتیب، ولی ثواب نماز هر کدام که بعد مشغول نماز شده است، کمتر است. آیت الله صافی گفته است: «ولی بنا بر احتیاط مؤکد، سزاوار است در صورتی که هر دو با هم وارد نماز شوند، هر دو و در صورتی که به ترتیب وارد شده باشند، کسی که بعداً وارد شده نماز را اعاده نماید» (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۵).

ج. عده‌ای از فقها براین باورند که در نماز، فرقی نمی‌کند زن جلوتر بایستد یا مرد، یا مساوی هم بایستند، ولی حداقل باید یک وجب از هم فاصله داشته باشند و نماز آن‌ها در فاصله کمتر از پنج متر از یکدیگر، مکروه است. آیات عظام خویی، تبریزی، شبیری، وحید خراسانی و خامنه‌ای (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ۱۱۴؛ بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۴۹۵؛ وحید خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

طبق این نظر، اگر زن برابر مرد یا جلوتر، در کمتر از یک وجب بایستد و با هم وارد نماز شوند، باید نماز را دوباره بخوانند، ولی اگر یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد، فقط کسی که بعد مشغول نماز شده، باید نمازش را دوباره بخواند. آیت الله وحید گفته



است: «بنابر احتیاط واجب در صورتی که یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد نیز باید نماز را دوباره بخوانند». آیت الله شبیری گفته است: «اگر با هم یا یکی بعد از دیگری به نماز بایستند احتیاط مستحب آن است که نماز را دوباره بخوانند» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۱: ۴۹۵، ۱؛ وحید خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۷۹).

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ به این سوال که تقدم مرد بر زن و فاصله میان آنان، در مسجد الحرام رعایت نمی‌شود و زن‌ها در ردیف مردها و گاهی جلوتر از آن‌ها به نماز می‌ایستند، نماز طواف و سایر نمازهای واجب و مستحب آن‌ها چه حکمی دارد؟ می‌گوید: «در آنجا اشکالی ندارد» (سایت هدانا، ۱۴۰۳).

از نظر آیت الله وحید خراسانی، رعایت تقدم و فاصله را در مکه نیز لازم دانسته و در پاسخ به این سؤال که در مقام ابراهیم به واسطه ازدحام، در موقع نماز طواف واجب، ممکن نیست مرد یا زن طوری بایستند که محاذی هم و یا زن جلوتر از مرد مشغول نماز نباشد. آیا نماز آنان صحیح است؟ می‌گوید: «باید بین مرد و زن در حال نماز مقدار یک وجب فاصله باشد». در جواب این سؤال که آیا در مسجد الحرام رعایت فاصله بین زن و مرد در نماز لازم است؟ گفته: «باید بین مرد و زن در حال نماز، حداقل مقدار یک وجب فاصله باشد، ولی نماز خواندن در فاصله کمتر از ده ذراع در غیر شهر مکه مکروه است. اگر زن برابر مرد یا جلوتر در کمتر از فاصله‌ای که ذکر شد بایستد و باهم وارد نماز شوند، باید نماز را دوباره بخوانند. همچنین است بنابر احتیاط واجب در صورتی که یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد» (وحید خراسانی، ۱۳۸۳: ۲، ۵۴۵).

نتیجه‌گیری

در موضوع جواز وعدم جواز تقدم زن بر مرد در حال نماز، روایات چند دسته است؛ برخی به صورت مطلق نماز مرد را مطرح نموده و برخی دیگر نماز زن را؛ در موثقه عمار، زن مشغول نماز است و سؤال از نماز خواندن مرد در کنار او است. در اینجا امام (ع) می‌فرماید «باید ده ذراع فاصله داشته باشد، مگر اینکه مرد جلوتر باشد». پس موضوع روایت پرسش از صحت نماز خواندن مرد در کنار زنی که مشغول نماز خواندن است، می‌باشد.



در روایات شبر مانند روایت ابوبصیر، صیقل و معاویه بن وهب، سؤال از باهم نماز خواندن زن و مرد است. بنابراین موضوع در این روایات باهم نماز خواندن است، نه اینکه یکی مشغول بوده بعد دیگری بخواهد در کنار او مشغول نماز شود. بنابراین باهم تعارضی ندارد و هر کدام قلمرو مستقلی دارد؛ اما برخی روایات شبر مانند صحیح زراره از امام باقر^(ع) و صحیح حریز از امام صادق^(ع) که در آن‌ها از نماز خواندن زن در کنار مرد پرسیده شده، تصریح ندارد که مرد نیز در حال نماز بوده و به گونه مطلق بیان شده و شاید مورد سؤال در جایی بوده که مرد در حال نماز نبوده است.

در روایات مجوزه (صحیح و مرسله جمیل) مرد در حال خواندن نماز است و سؤال از صحت نماز زنی است که می‌خواهد نماز بخواند. بنابراین روایات مجوزه نه با روایات ده ذراع تعارض دارد و نه با روایات شبر؛ زیرا موضوع روایات ده ذراع در حال نماز بودن زن و سؤال از صحت نماز مرد است. موضوع روایات شبر با هم نماز خواندن زن و مرد است. موضوع روایات مجوزه در حال نماز بودن مرد و سؤال از صحت نماز زن است برعکس روایات ده ذراع.

در روایات حایل موضوع نماز خواندن زن نزد مرد است؛ اما نسبت به مرد اطلاق وجود دارد که در حال نماز باشد یا نباشد و چون مطلق است، صورت نماز خواندن را نیز شامل می‌شود و در این صورت در فرض نبود حایل، تعدد شرط و اتحاد جزا شکل می‌گیرد؛ زیرا هر دو دسته روایت می‌گویند اگر زنی می‌خواهد در کنار زوجش نماز بخواند، یکی می‌گوید باطل است، مگر اینکه حایلی باشد و دیگری می‌گوید باطل است مگر اینکه میان آنان شبر فاصله باشد. هر مبنایی که در باب تعدد شرط و اتحاد جزا اتخاذ کردیم بر اساس همان در اینجا سیر می‌کنیم. خلاصه قول به جواز تقدم همراه با کراهت، قول برگزیده در این بحث است.

فهرست منابع

۱. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: انتشارات اسلامی.
۲. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، (ترجمه: رضا مهیار)، تهران: انتشارات اسلامی.
۳. بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، (۱۳۸۱)، توضیح المسائل مراجع، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. حائری طباطبائی، سید علی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسایل، قم: مؤسسه آل البيت.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.
۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۷. حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت.
۸. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخوئی، قم: مؤسسه چاپ و نشر آثار خوئی.
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغتنامه دهخدا، تهران: انتشارات روزنه.
۱۰. صاحب بن عباد، ابوالقاسم اسماعیل، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۶)، علل الشرایع، قم: کتاب فروشی داوری، قم.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۰)، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰)، الاستبصار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۵. فراهیدی، خلیل ابن احمد، (۱۳۷۶)، کتاب العین، قم: دارالهجر.
۱۶. فیومی، احمد بن محمد، (بی تا)، المصباح المنیر، قم: منشورات دارالعلم.
۱۷. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۷ق)، المعبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء.





۱۸. معلوف، لويس، (بی تا)، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، بیروت: بی نا.
۱۹. نراقی، احمد بن محمد، (۱۴۱۵ ق)، مستند الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۰. وحید خراسانی، حسین، (۱۳۸۳)، منهاج الصالحین، قم: انتشارات مدرسه باقر العلوم.
۲۱. وحید خراسانی، حسین، (۱۳۹۱)، رساله توضیح المسائل، قم: انتشارات مدرسه باقر العلوم.
۲۲. همدانی، رضا، (۱۴۱۶ ق)، مصباح الفقیه، قم: مؤسسه جعفریه لاحیاء التراث.
۲۳. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۲ ق)، العروة الوثقی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار^(ع).